

طی کردن مراحل اداری با خانم پیجو

«ماجرای خانم پیجو» عنوان برنامه‌ای نمایشی است که با بیان طنز و شوخی مسائل مختلف در محیط اداری را بیان می‌کند. به گزارش جام جم، ماجراهای خانم پیجو عنوان برنامه‌ای رادیویی-نمایشی است که در آن اتفاقات یک محیط اداری از زبان شخصیت اصلی نمایش خانم پیجو با

بازیگری لاله جلال آبادی روایت می‌شود. در این برنامه شخصیت‌های رئیس، معاون رئیس، کارمند و ارباب رجوع وجود دارند که وقایع اجتماعی روز را با زبان طنز بیان می‌کنند. بازیگران این برنامه امیرزنده دلان، کرامت رودساز، آسیه گرچی، علی نوبخت و سعید سلطانی هستند. خانم پیجو امروز پیگیر مراحل

دشواری‌های تولید قصه‌های تازه

بهرنگ ملک محمدی که سال‌ها به عنوان مدیر سیمافیلم فعالیت می‌کرد و این روزها هم در مقام مدیر گروه فیلم و سریال شبکه دو با دنیای فیلم‌ها و سریال‌ها همراه شده است؛ درباره کمبود ژانر ماورایی در تلویزیون به جام جم گفت: در دهه ۸۰ ما سریال‌های ماورایی خوبی ساختیم که استقبال بی‌نظیری از آن شد. در ادامه اتفاقی که افتاد این بود که یک‌دفعه استقبال شبکه‌ها و فیلمسازها از این فضا بالا رفت و مقداری بالانس این تعداد کار به هم خورد. شما می‌دیدید که در سال چندین سریال ماورایی تولید می‌شد، ولی ژانرهای دیگر کار نمی‌شدند. از سوی دیگر کیفیت این کارها هم متفاوت بودند و گاهی خوب می‌شد، گاهی هم نه.

وجود نظرات و دیدگاه‌های مختلف در حوزه ماورایی هم موضوع دیگری بود که او با اشاره به آن افزود: گونه ماورایی حوزه مناقشه‌برانگیزی است. سریال‌های ماورایی به دانش و آگاهی جدی در حیطه نگارش، تحقیق و دیگر مراحل دارد. گاهی حتی این فضا سوءتفاهم‌برانگیز است، مثلاً کارشناسان حوزه مذهبی آن‌موقع گاهی انتقاداتی داشتند که البته برخی از آنها با صحبت حل می‌شد. با این‌حال بعد از آن‌که رنگ آمیزی آنتن در آن زمان جابه‌جا و تعداد این کارها زیاد شد، سازمان به سمتی رفت که کمی گزیده‌تر در این زمینه سریال بسازد تا این ژانر در تلویزیون کمتر کار شود. البته این جریان در دنیا هم هست و شما در سینمای جهان هم می‌بینید که در یک سال یک دفعه تعداد کارهای یک حوزه بیشتر از قبل می‌شود. این موضوع در سینما و تلویزیون ما هم وجود دارد.

ملک محمدی با یادآوری ماجرای راه افتادن دوباره این ژانر بیان کرد: سیمافیلم به‌تازگی در این فضا کار آقای افخمی را شروع کرده و زمانی که من در سیمافیلم بودم، این کار در جریان افتاده بود و الان هم دوستان دارند زحمت می‌کنند که این کار برسد، این شروعی است که آن فضا دوباره شکل بگیرد منتها با تعداد مشخص، برنامه‌ریزی و این که بدانیم هر سال چند کار در این حوزه و به چه شکل آنها را می‌خواهیم.

و اما حضور کارلدها در جریان ساخت یک اثر ماورایی از واجب‌ترین بخش‌های این جریان است، موضوعی که او درباره‌اش گفت: در کنار اینها از سوی دیگر متخصصان این حوزه هم کم‌هستند و اینطور نیست که ما الان مثلاً ۵۰ نویسنده، کارگردان و تهیه‌کننده در این فضا داشته باشیم. در صورتی که در این حوزه به افراد تخصصی نیاز است که این ژانر را بشناسند، چالش‌هایش را بدانند و بتوانند کار

دست‌مان برای تخیل بسته است

در مورد گونه ماورایی کارهایی در تلویزیون انجام شده و ما «پادآوری» را در همین فضا کار کردیم اما مشکلی که در گونه ماورایی با آن درگیر هستیم، این است که دست‌مان برای تخیل باز نیست، چون به‌هرحال ما مابانی اعتقادی داریم که باعث عدم امکان فراتر رفتن از آن می‌شود. در حالی که ما وقتی می‌گوییم ماورا، با تخیل، هرچیزی می‌شود وارد آن شود اما ما نمی‌توانیم وارد هر چیزی شویم. در نتیجه سمت این گونه رفتن برای نویسنده خیلی دشوار است و مدام گفته می‌شود که نمی‌شود این‌گونه نوشت، چون از نظر معارفی درست نیست. در کشورهای دیگر دست نویسندگان برای تخیل باز است و هر آن چیزی که غیر از جسم مادی است را نویسنده می‌تواند تخیل کند. این نگاه هم کار ما را سخت می‌کند.

در مورد کارهای فانتزی هم بیشتر مسئله اجرای آن مهم است و در تلویزیون ما باید با این موضوع دست و پنجه نرم کنیم، در واقع فانتزی‌ها دشواری که برای گونه ماورایی از آن‌گفتیم را ندارد، اما از سوی دیگر امکان اجرای آن چیزی که تخیل می‌کنید یا وجود ندارد و یا خیلی سخت و هزینه‌بر است تا جایی که باعث می‌شود کسی کمتر سمت آن بیاید. به هر حال اینها دشواری‌هایی‌اند که باعث شده این دو ژانر چندان پا نگیرند. چارچوب‌های تعیین‌شده هم به خودی خود بین تعیین‌کنندگان آن در جزئیات محل اختلاف است و همه اینها دست و پاال نویسنده را می‌بندد. ژانر وحشت هم وارد بحث ماورا می‌شود. زمانی من روی موضوعی کار کردم که چون هنوز ساخته نشده، نمی‌توانم واضح از آن بگویم اما آن هم یک فضای رعب‌انگیز داشت که به آن اشکال گرفتند و گفتند که بر مبنای چارچوبی که داریم، نمی‌شود چنین چیزی داشته باشیم. در واقع این درگیری که با واقعیت داریم، خیلی جدین است و زمانی که می‌خواهیم خارج از آن واقعیت قدم برداریم و سمت داستان‌های دیگر برویم، بازهم آن بخشی از واقعیت ذهنی که به آن این‌طور نگاه می‌شود، نمی‌گذارد که این اتفاق بیفتد.

من فکر می‌کنم مخاطبان ما کاملاً از این دو فضا استقبال می‌کنند. حداقل در تجربه‌ای که در ژانر ماورایی داشتیم، دیدیم که مورد اقبال بینندگان بسیاری قرار گرفت. به طور کلی مخاطب دوست دارد وارد فضاها و دنیاهایی شود که تصور آن برای خودش دشوار است یا تجربه‌اش را ندارد. اینها برای مخاطب جذاب است؛ به‌ویژه آن‌که در این سال‌ها ما خیلی هم در این فضا داشتیم و خیلی از آن استقبال خواهد شد و به هیچ‌وجه نمی‌شود گفت که مخاطب آن را پس می‌زند. مشکل ما هم با مخاطب نیست، بلکه درگیر همان مواردی هستیم که از آن گفته شد.

در مورد ژانر فانتزی بحث جلوه های ویژه و... خیلی به نسبت یک سریال رئال پرهزینه است اما در مورد ماورایی‌ها قصه همان است که صحبتش شد. راستش را بخواهید این‌طور به نظر می‌رسد که جدا از بحث مضمونی کسانی که طرح‌ها را پیشنهاد می‌دهند به دنبال یک کار متفاوت نیستند. یعنی در حوزه ساختار هم اغلب راحت اتفاق تازه را بر نمی‌تابند، طرف آن نمی‌روند و ترجیح می‌دهند در همان حوزه شناخته‌شده کار کنند. این ساختار و ترجیح برای ثبات در آن در همه ژانرها وجود دارد. □

اداری می‌شود و در این برنامه در بخش‌های مختلف با نگاه طنز از نامه‌نگاری و سختی انجام مراحل اداری انتقاد می‌کند. این برنامه هر هفته از شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۹ تا ۲۰ از رادیو صبا روی موج افام ردیف ۱۰۵/۵ مگاهرتز پخش می‌شود.

کنند. بنابراین اگر این فضا امروز باز هم در حال راه افتادن است، یعنی برنامه‌ریزی لازم انجام شده که این ژانر مثل بقیه باشد تا رنگ آمیزی روی آنتن رعایت شود.

فانتزی‌ها هم ژانر مغفول دیگری است که ملک محمدی با بیان عاملی که در این کمبود موثر است، تصریح کرد: ژانر فانتزی هم تخصص خودش را می‌خواهد. این حوزه قراردادهایی را در فیلمنامه نیاز دارد که از اول در داستان گذاشته می‌شود. مثلاً در سریال «مسافران» شما می‌دانید که یکی از نقش‌ها رباب است و از ابتدا این قرارداد بین مخاطب و سازنده کار وجود دارد و نمایش داده می‌شود، به همین دلیل بیننده می‌پذیرد که او انسان نیست. بنابراین جنس نوشتن و بررسی مجموعه‌های فانتزی با سریال‌های رئال کاملاً فرق می‌کند. چون در رئال‌ها و ملودرام همه چیز ثابت است. اما در فانتزی‌ها این قراردادهای دنیای معمول، شناور است.

در کنار اینها بحث مخاطب هم مطرح است، موردی که جزو عوامل تعیین‌کننده برای تصمیم‌گیری درباره چگونگی ادامه این ژانرهاست و مدیر گروه فیلم و سریال شبکه دو درباره‌اش عنوان کرد: سریال‌های ماورایی و فانتزی علاوه‌بر آن‌که تیم سازنده حرفه‌ای می‌خواهد به مخاطب تربیت‌شده و حرفه‌ای هم نیاز دارد، چرا که مخاطب باید متوجه باشد که چه می‌بینید و از بعضی اتفاقات تعجب نکند. اینها کار را به شدت سخت‌تر می‌کند، تا جایی که من فکر می‌کنم ساختن یک کار فانتزی یا ماورایی دوبرابر یک سریال معمولی انرژی می‌برد. در دهه ۸۰ به دنبال همان نگاه‌ها و سوءتفاهمی که از آن گفتم، موارد جدی درباره سریال‌ها مطرح شده بود، اما همان‌طور که جلوتر رفتیم برخی از این موارد هم حل شد. مثلاً در سریال او یک فرشته بود، ما شیطان‌ی را می‌دیدیم که تجسمش فرق می‌کرد و قبلاً آن را نداشتیم. اما در سریال‌های بعدی هم این تجربه به اشکال دیگری تکرار شد و ادامه پیدا کرد. حوزه ماورا خیلی مبتنی بر تحقیق و پژوهش است. کار آقای افخمی هم خیلی پژوهش‌محور است و به‌شدت باید صحنه‌های پژوهشی در نگارش اتفاق بیفتد تا سریال کم‌ترین سوءتفاهم را به وجود بیاورد و البته جذابیت‌هایی که باید را برای مخاطب عام هم داشته باشد.

شناور بودن این گونه‌ها هم از مواردی بود که او با اشاره به آن گفت: در شبکه‌های مختلف شناور باشد و اینکه تنها در یک شبکه شاهد چنین ژانرهایی باشیم، شاید چندان جالب نباشد؛ البته می‌شود در این باره هم صحبت کرد.

در مورد رده‌بندی سنی هم ملک محمدی معتقد است که تا حد زیادی این اتفاق برای مجموعه‌ها یا فیلم‌هایی که پخش

در جهان سینما یکی از گونه ها و ژانرهای پُر طرفدار به ویژه از سوی کودکان و نوجوانان گونه فیلم‌های فانتزی است. در سینما و البته تلویزیون هم در این راستا گام هایی در جهت تولید آثار مخاطب پسند برداشته شده است. اما به‌رغم تولیدات فانتزی و تخیلی که با توجه

به نوع بینش و باورهای جامعه بر آن باورهای اعتقادی و دینی هم افزون شده است، عمده‌تا در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ جایگاهی بین بینندگان سیما و تماشاگران سینما پیدا کرد. از آن پس به دلایل مختلف این‌گونه تولیدات چندان ادامه نیافت و نتوانست در عرصه سیما و سینمای ایران تبدیل به یک ژانر و جریان مستمر باشد که فیلمسازان و مجموعه‌سازان مختلف بتوانند با تولید آثار فراوان در جهت رونق و تثبیت این حوزه به حرکت دربیایند. با این حال آنچه که در گذشته در همین راستا تولید شده، توانسته نظرات برخی مخاطبان را باخود همراه کرده است. اما واقعیت دیگری که می‌تواند در کم‌کاری مجموعه و فیلمسازان در این عرصه دخیل باشد، حمایت نشدن از سوی مسؤولان فرهنگی و سینمایی در همین مسیر است. بر این مشکل باید معضل دیگری را اضافه کرد و آن درگیر شدن بیش از اندازه مردم با مسائل و مشکلات جاری زندگی است تا جایی که خیلی از مخاطبان ترجیح می‌دهند شاهد آثاری باشند که در آنها بخشی از مباحث مطرح در آن مدنظر قرار بگیرد. از همین رو باید با رعایت در واقع مردم به دنبال دیدن دغدغه های خود در تصویر هستند. با همه اینها اما همچنان جای تولید آثاری پر محتوا تخیلی در سینما و تلویزیون خالی است. شنیده شده که برخی ها در این فضا مشغول به فعالیت شده‌اند، اگر تولیدات آنها بر مبنای واقعیت‌ها و باورهای مردم باشد و صرفاً در جهت ایجاد سرگرمی با آثار تخیلی نبوده و حرف‌های شایسته برای مخاطب داشته باشد، امکان استقبال از آنها هم وجود دارد. به هر حال سینمای تخیلی در جهان با توجه به فرهنگ ملت های مختلف مخاطبانی دارد. اما در ایران هنوز متأسفانه به دلیل آن‌که روی سلیقه، ذوق و نیاز مخاطبان کودک و نوجوان به‌درستی کار نشده و حتی سینمای کودک و نوجوان در کشور ما به تعلیق درآمده، لازم است که جهت ایجاد سرگرمی با آثار تخیلی نبوده و حرف‌های تمهیداتی در تلویزیون اندیشیده شود و به موازات آن با توجه نیاز اقشار مختلف، آثار خوب تخیلی که معنای آن با‌رهم می‌تواند ادبیات و فرهنگ کهن ما باشد، تولید شود. اگر نه مثل بعضی از مجموعه‌های خارجی تولید صرف آثار تخیلی و ماورایی که در قالب تفکر بسیاری قرار نمی‌گیرد،

می‌شود، رخ داده است و این موضوع هم جزو تجربه‌هایی است که تلویزیون به دست آورده است و در دوران درخشان کارهای ماورایی تلویزیون به این نتیجه رسید که می‌تواند رده‌بندی سنی بگذارد. البته این رسانه موظف است رده‌بندی سنی را لحاظ کند. اما دنیایی از فیلم‌ها و... در اختیار همه هست، خیلی نمی‌شود به این قضیه اتکا کرد. به هر حال در تلویزیون زمانی که صحنه‌ای محدودیت پخش دارد، باید رده‌بندی قید شود، این به خانواده می‌گوید که شما فضا را کنترل کنید و حواس‌تان باشد. در فضاهای دیگر تلویزیون نمی‌تواند دخالتی کند، اما در مورد فیلم‌ها این اتفاق افتاده است.

وی در پاسخ به این‌که با چه ملاک و معیاری یک مجموعه ماورایی یا فانتزی را برای پخش پیشنهاد می‌دهید، گفت: اولین نکته در کارهای ماورایی پژوهش است، عموماً کارهای ماورایی ما مجموعه‌هایی مبتنی بر دین هستند، یعنی محتوای دینی ما به کارهای ماورایی تبدیل می‌شوند. کارهای ما باید پژوهش‌های دینی قوی داشته باشد. در این شرایط است که اتفاق خوبی برای آن مجموعه می‌افتد. برای کارهای فانتزی من تصور این است که این مجموعه‌ها بیشتر مورد پسند کودکان و نوجوانان یا گروه خاصی است. این یک مقوله جداست که باید مخاطب شناسی شود تا متوجه شویم که مخاطب چه کارهایی را در این فضا دوست دارد. به همین جهت لازم است که سلیقه مخاطب امروز شناسایی شود، چون مثلاً اگر الان فیلم‌های فانتزی دهه ۶۰ را پخش کنیم، شاید از آن استقبال نشود، از همین رو این که برای چه کسی می‌خواهیم چنین کاری را بسازیم، موضوع اصلی است که باید روشن شود.

اما این‌که می‌شود به جز کارهای ماورایی، سراغ فضای دیگری رفت

باید مواظب ذهنیات مخاطب باشیم

تولید شود، طبیعی است که مورد استقبال قرار نمی‌گیرد. در هر حال در خبرها شنیده شده که افخمی می‌خواهد در همین عرصه تولیداتی را به ظهور برساند، می‌تواند خوشایند باشد، به شرط آن‌که به نیاز و سلیقه مخاطب احترام گذاشته شود و حرف‌هایی برای گفتن در آن مورد توجه سازندگان اثر قرار بگیرد.

یکی از شکوهمندترین تولیدات ادبیاتی ایران شاهنامه است. اثری که عمده‌تا همه شخصیت‌هایش را بر مبنای تخیل فردوسی بنا کرده، اما همه ماجراها و همه شخصیت‌ها که در قالب تفکر مبارزه خیر و شر جهت داده شده‌اند، از واقعیت‌های زندگی مردم نشأت گرفته‌اند، به همین دلیل اگر صرفاً آثار تخیلی شامل موضوعاتی شود که هیچ‌گونه تاثیر و استفاده‌ای برای مخاطب ندارد، می‌تواند حتی باعث انحراف ذهنیات آنها شود.

اما اگر بر مبنای واقعیت و ذهنیت مخاطب در تلویزیون آثاری ساخته شود که در آنها مفاهیم اخلاقی، انسانی، قرآنی و اجتماعی لحاظ شده باشد، چون این مفاهیم با افکار مخاطب در ارتباط هستند، او می‌تواند به راحتی با آنها ارتباط بگیرد. اگر غیر از این باشد، یک‌سری موهومات و تخیلات نامناسب به تصویر درآید، جز هر دادن پول، وقت و تلاش مخاطبان هیچ ثمر دیگری نخواهد داشت.

در مورد محدودیت‌گذاری سنی هم باید گفت که تلویزیون یک رسانه ارتباط اجتماعی است و مخاطبان آن از اقشار متفاوت‌اند به همین خاطر باید سلیقه و نظرات طیف‌های مختلف در آن مدنظر قرار بگیرد. از همین رو باید با رعایت ادبیات، فرهنگ جامعه و نوشتن فیلمنامه‌های مناسب اجتماعی و خانوادگی با توجه به محوریت نقش کودکان و بزرگسالان، مسائلی در فیلم‌های فانتزی و تخیلی گنجانیده شود که نه‌تنها به لحاظ روحی به مخاطب آسیب نرساند، که باعث باروری تخیلات مخاطب برای ایجاد مسائلی که برای او دغدغه شده‌اند، حداقل در دنیای تخیل شکل بگیرد. مساله مهم قابل ذکر این است که تخیلات با خرافات و موهومات نباید درهم‌آمیخته شود و این بخش باید جنبه علمی و آموزشی داشته باشد تا مخاطب با دیدن این دست مجموعه‌ها، راهکارهایی برای زندگی خود بیابد. وگرنه می‌شود هزاران سریال تخیلی و ماورایی بدون ربط با مسائل جامعه ساخت که هیچ ارتباطی با فرهنگ و عقاید جامعه ندارد و نمی‌تواند به حال مردم مفید باشد، به همین دلیل حال که قرار است در این زمینه حرکات خوب انجام شود، باید براساس پژوهش‌های علمی، فرهنگی و نگاه‌های درست اجتماعی باشد که با حمایت مستمر مادی و معنوی مسؤولان فرهنگی به ثمر نشیند. □



«ملکوت» سریال رضائی سال ۸۰ با حال و هوای ماورایی روی آنتن رفت

بنین خلّایی وجود دارد و مخاطب می‌پسندد که این گونه‌ها را پیگیری کند. گونه وحشت و مواردی از دست هم شاید برای تلویزیون ما خیلی توصیه نشود. اما در همه این زمینه‌ها خلّایی وجود دارد و تنها یوف به فضای فانتزی و ماورایی نیست.

شما به دنبال ایجاد جریانی برای نمایش بیشتر این این ژانرها نیستید؟

م دوست داریم که به عنوان سریال ساز فضایی به وجود بیاید تا شانس خودمان را در حوزه‌ها هم امتحان کنیم. حتی روی این ماجرا فکر هم کرده‌ایم، کتاب‌هایی در این باره نوشته و به دنبال آن بوده‌ایم که اگر بخواهیم در فرهنگ اسلامی از چیزی مخاطبت را بترسانم، بیست؟ مثلاً تصریح قرآن ما این است که هم بیم‌دهنده است و هم بشارت‌دهنده، ما با این ل که این انذار چیست و از چه چیزی می‌ترساند؟ روی این موضوع فکر و بررسی کردیم، اما ییت این است که به این جمع‌بندی نرسیده‌ایم که می‌شود در تلویزیون به سراغ ژانر وحشت رفت ؟ شاید تنها گزینه‌ای که به آن رسیده‌ایم، این است که برای ساعات خیلی پایانی شب، کارهایی یک یک ربعه‌ای تولید کنیم تا باخورد‌ها را ببینیم. اما در جنس کار ماورایی و فانتزی این مسائل د ندارد و بیشتر همان ترس است که ما مدل مرسوم سریال سازی‌مان را کنار بگذاریم و سراغ کارهایی برویم.

فکر می‌کنید می‌شود بدون رفتن سراغ فضای معارفی برای کمتر شدن مناقشات، مجموعه‌هایی را در این فضا کل داد؟

وزه ماورایی که نه، چون ما نمی‌توانیم معارف را از آن جدا کنیم. اما در حوزه ترس و وحشت اینها، مساله می‌کند. در کل اینجا موضوع جدی چیز دیگری است و آن هم این است که شما با یک تلویزیون عام با میلیون مخاطب مواجه هستید و سیاستگذار و رسانه به این نتیجه رسیده که نمی‌تواند برای تلویزیونی چه، جوان و پیر پای آن می‌نشیند، یک‌دفعه و زمانی که فیلتری برای آن وجود ندارد، یک سریال گونه ست پخش کنند. به هرحال تلویزیون ما بیش از خیلی از رسانه‌های دنیا خانوادگی است و فارغ از آن‌که کارها را در مدل مذهبی یا غیرمذهبی ببینیم، مساله اصلی این است که آیا می‌شود یک کار ترسناک را از زیون پخش کرد؟

اینجاست که بحث رده‌بندی سنی مطرح می‌شود، با وجود رعایت اصولی این بخش قطور؟ می‌شود به سراغ اتفاقات تازه‌تری رفت؟

فرض کنید بگویند این سریال را افراد بالای ۱۸ سال ببینند. اما ممکن است در خانه‌ای یک فرد سن بالای باشد یا گروه‌های حساس دیگر. منظور من این است که باید همه اینها را در تلویزیون درنظر گرفت و با ندی سنی شاید لزوماً این مسائل حل نشود.

در کنار اینها موضوع فاصله با روند سریال سازی روز دنیا هم وجود دارد. این جریان چقدر روی شکل‌گیری چنین سریال‌هایی تاثیر گذاشته است؟

به سریال‌سازان مطرح دنیا روال سریال سازی‌شان آنچه ما طی می‌کنیم، نیست. مسیری که در آن ابتدا و بعد از تأیید سیناپس و فیلمنامه را می‌خوانیم و وارد تولید می‌شویم. این مدل شما را به سمت ای کم‌ریسک سوق می‌دهد اما در دنیا سریال را براساس دیدن یک قسمت کامل تصویب می‌کنند، که یا یلوت می‌گویند. این یعنی شما متن پایلوت را می‌نویسید و بعد از تصویب، تهیه‌کننده و کمپانی برای نت آن هزینه می‌کنند، بعد اگر آن قسمت جواب داد، ادامه سریال را می‌سازید، در غیر این صورت همان جا ف می‌شود. زمانی که شما می‌خواهید سراغ قالب جدیدی بروید و ریسک کنید، این جریان خیلی کمک ند و ما هم باید کم‌کم به این فضا برسیم، چون دیدن یک قسمت شناخت خیلی بهتری از اثر به نسبت ندن چند قسمت می‌دهد. بنابراین رفتن سراغ روش‌های نوین سریال سازی ریسک پرداخت به ژانرهای ول‌ول‌مانده را خیلی پایین می‌آورد. به شرطی که تهیه‌کننده‌های ما هم حاضر به انجام این ریسک باشند، لران حاضر شوند قرارداد یک قسمتی ببندند و عوامل نیز به همین ترتیب.

شما در شبکه سه به سمت این فضا نمی‌روید؟

و کار سریال سازی بیشتر به عهده سیمافیلم است و ما در حوزه قانونگذار و تغییر ساز و کار نیستیم. در قت ما مثل پیمانکار و مجری طرح هستیم؛ پیشنهاد سریال می‌دهیم و اگر پذیرفته شد، به سراغ ساخت می‌رویم. اما در کل قرارداد بستن، واریز پول‌ها، تصویب کارها و... با سیمافیلم است و ما پیشنهاد دهنده‌ایم. در حال خوشبختانه الان دو سه تا تهیه‌کننده هستند که حاضرند این ریسک را بپذیرند و قسمت اول یک ال را تولید کنند و در این ریسک به شکل پنجاه پنجاه شریک باشد. هزینه آن هم به نسبت عدد و رقم‌هایی سریال‌های مان لحاظ می‌کنیم، چیزی نمی‌شود. البته این یک قسمت معمولی نیست و تنها شاید کمی تر از چند صد میلیون‌ی که برای همین مجموعه‌های معمولی در یک قسمت هزینه می‌شود، پول لازم باشد. این اتفاق بیفتد دیگر می‌شود حدس زد که به چیزی در انتظار هر سریالی است.

البته که تا رسیدن به این نقطه، فاصله زیادی داریم.

مال حاضر نت‌فلیکس و دیگر سایت‌هایی که بازار را تسخیر کرده‌اند، با مدل ما سریال نمی‌سازند. بیت این است که در بخش دانشگاهی نیز چنین ردی وارد نشده، در کل به حوزه سریال‌سازی به یک علم نگاه نکرده‌ایم و قالب پرداخت‌های ی و مراجعی که وجود دارند، معطوف به سینما ت. در حالی که در دنیا سریال سازی خیلی مهم‌تر ل شده است و اصلاً نویسندگانی هستند که تنها صص پایلوت نویسی‌اند. این علم، نه این‌که به ایران یده، بلکه نخواست‌ایم سراغش برویم. □

